



هنرمعماری سلجوقیان

● دکتر مهناز شایسته فر
عضوهیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

■ معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان
■ غلامعلی حاتم

آثار کهنسال این سرزمین که میراث گرانبقدر نیاکان ما می‌باشد، نفانس هنری و میراث ملی خوانده می‌شوند و یادگار چندین هزار ساله تمدن و فرهنگ این سرزمین به شمار می‌روند. اما بیش از اینکه از تهاجم‌های وحشیانه اقوام بیگانه و سیاست‌های دغل‌یازانه آنها ستم دیده باشند از جهل همراه با تعصب ما ستم دیده و مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. و در این جایگاه جای تعجبی نیست که دست‌اندرکاران وقت که خود پاسداری این میراث را بر دوش داشتند به سبب نداشتن دانش و بینش کافی نه تنها سهل‌انگاری را پیشه خود ساخته بلکه در ویرانی و محو این آثار، پیشگامی اختیار نموده و با دریافت بهایی ناچیز آثار بی‌مانندی را به اشخاصی واگذار نمودند که هیچ‌گاه ارزش واقعی این آثار را درک نکردند. به گفته ابراهیم باستانی پاریزی: «ایران را نه تنها یورش مغولان خارجی ویران نمود

بلکه مغولان داخلی نیز در تخریب این کشور دست کمی از آنان نداشته و در این مورد سهم بسزایی ایفا نمودند آن چنان که از ایران فقط نامی مانده بود و بس.»^۱

کوتاه سخن اینکه اگر اثری تاریخی توانسته از این رویدادهای بنیان کن و هولناک جانی سالم بدر برد مربوط به مساجد و بقاع و اماکن متبرکه بوده که ترس از معتقدات مذهبی مردم آنها را از دستبرد کلی مصون داشته است.

البته همگام با تغییرات بنیانی در کشور، امور مربوط به باستان‌شناسی و حفاظت و مرمت آثار تاریخی نیز مورد توجه قرار گرفته است و با پیدایش سازمان میراث فرهنگی و قرار گرفتن افرادی صلاحیتدار و علاقمند به این آب و خاک در راس آنها، فهرست‌برداری، ثبت، تعمیر و نگهداری آثار باستانی و تاریخی از سرعت بیشتری برخوردار گردیده است. آن چنان که نتایج چشمگیر آن در گوشه و کنار کشور به چشم می‌خورد. امید است در این عصر که افرادی دانشمند، متدین، متعهد و علاقمند به این آب و خاک مسؤولیت امور را برعهده دارند مصدر چنان خدماتی گردند که در سده‌های آتی ضرب‌المثل و زبانزد خاص و عام قرار گیرند.

دکتر غلامعلی حاتم هم یکی از افراد دانشمند و علاقمند به این آب و خاک می‌باشد که گردآوری و تالیف کتاب معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان را برعهده داشته است و با توجه به گستردگی آثار به جای مانده از دوران گذشته که پرداختن و مطالعه عمیق هر یک از این آثار نیاز به تحقیق و مطالعه فراوان دارد، ایشان به خوبی توانسته‌اند اندوخته‌ها و مطالعات و دستاوردهای پژوهشی خود را در این خصوص به صورتی هماهنگ و مفید گرد هم آورد و تحت عنوان کتاب معماری ایران در دوره سلجوقیان عرضه دارد. ایشان علاوه بر مطالعه نقشه و سبک و شیوه ساختمانی آثار، به نقش تزیینات و عناصر تزیینی علی‌الخصوص کتیبه‌ها پرداخته و آثار و ابنیه ساختمانی را در این راستا به دو گروه بناهای مذهبی و غیرمذهبی تقسیم نموده است. اما نکته قابل توجه در این تحقیق نوع تقسیم‌بندی اماکن می‌باشد که ایشان در گروه تقسیم‌بندی مذهبی مساجد و مناره‌ها را ذکر نموده‌اند و مدارس، کاروانسراها، مقابر و برج‌های مقبره‌ای را در گروه تقسیم‌بندی غیرمذهبی ذکر نموده‌اند.

علی‌الظاهر و بر طبق شواهد موجود باقی مانده مدارس آن زمان مدارس معمولی و قابل قیاس

آموزش گرافیک

- طراحی گرافیک (تنویریک و عملی)
- آرمین هافمن
- ترجمه‌ی محمد خزایی، سیدمحمد آوینی
- انتشارات بزرگ

این کتاب تلاشی است در جهت فراهم ساختن زمینه‌ی برخوردی روشمندانانه با مسائل طراحی گرافیک و می‌توان گفت دوره‌ای آموزشی است که هنرجو را قدم به قدم، از مبادی تا فرایندهای پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر همراهی می‌کند. در اینجا عناصر تصویری و صوری (فرمال) تجزیه و تحلیل می‌شوند تا قواعد حاکم بر آنها آشکار گردد. واقعیاتی که در طی این بررسی دقیق و منطقی مکشوف می‌شود باید به صورت بخش مهمی از ساز و برگ هر طراح گرافیک و هر فرد دیگری که در رشته‌های هنری مرتبط با آن فعالیت می‌کند، درآید. اما در این کتاب چیزی بیش از آموزش حرفه‌ای محض وجود دارد. در دنیای جدید، گسترش تولید صنعتی و توسعه و پیشرفت عظیم تکنیک‌های چاپ و تکثیر، طوفانی واقعی از تصاویر و اشکال به وجود آورده که ما را از هرسو در احاطه‌ی خود گرفته است. فراگیری شیوه‌ی «خواندن» این زبان تصویری و صوری، که دائماً تحول می‌یابد و پیچیده‌تر می‌شود، در روزگار ما به صورت یکی از نیازهای مبرم آموزشی برای همه جلوه‌گر شده است. این نیاز تنها هنگامی برآورده می‌شود که مبادی و قواعد اصلی حاکم بر خلاقیت هنری درک شده و جایگاه خود را در نظام آموزشی عمومی ما پیدا کرده باشد.

تا آنجا که می‌دانیم، در گذشته راهنمایی آموزشی برای طراحان گرافیک، که به ساده‌ترین مقدمات این رشته پرداخته باشد، وجود نداشته است. آثار مشهورتر استادان «باهاوس»، یعنی «کاندینسکی»، «کله»، «ایتن» و غیره بیشتر صرفاً به مسائل هنرهای زیبا عنایت دارند و راه‌حل‌هایی که ارائه می‌دهند، بدون جرح و تعدیل به کار مسائل طراحی نمی‌آید. عقیده‌ی رایج مبنی بر اینکه در هنر، تفهیم و انتقال شیوه‌های عملی به دیگران غیرممکن یا لااقل دشوار است، ظاهراً تاکنون مانع انتشار دوره‌های آموزشی مقدماتی در این زمینه شده است. این کتاب برای طراحان گرافیک، طراحان حروف، معماران و همه‌ی کسانی که با هنرهای بصری (تجسمی) سر و کار دارند یا در رشته‌های مربوط فعالیت می‌کنند نگارش یافته است و برای هنرجویان و نیز شاغلین در این زمینه‌ها، دانش و اطلاعات مفیدی در بردارد.



گرچه این دسته از حکومت‌های کوچک محلی و متقارن با یکدیگر از چشم تحقیقاتی و مطالعاتی محققان تاریخ و هنر به دور مانده و از جهتی مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته است و نه تنها آثار و ابدیه تاریخی و هنری آنها به دوران سلاجقه نسبت داده شده بلکه تاریخ پرفراز و نشیب سیاسی، اقتصادی آنها هم توسط حتی مورخین تاریخ ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. نویسنده محترم این کتاب همانند دیگر محققان و پژوهشگران عرصه تاریخ و هنر، آثار و ابدیه این عصر یعنی قرون پنجم و ششم هجری/ یازدهم - دوازدهم میلادی و حتی قرون پیش از آن را به طور کلی به دوران سلاجقه نسبت داده و نامی از دوران‌های متقارن به میان نیاورده است. همانند گنبد چهل دختران و مناره تاریکخانه دامنجان که به دوران زیاریان بر طبق کتیبه موجود ارتباط دارد ولی در این کتاب از چنین بناهایی به طور کلی به عنوان بنای سلاجقه یاد شده است.

البته بر کسی پوشیده نیست که تفکیک نمودن این آثار به جای مانده و تلاش در جهت خواندن کتیبه‌های بناها که اطلاعات دقیق زمان و جای بنا را منعکس می‌کنند از نظر زمانی کاری بسیار شاق و نیازمند تلاش گروهی محققان می‌باشد.

امیدواریم محققان جوان و پرنانژی ایرانی و دانشجویان علاقمند هنر و معماری با کمک و راهنمایی استادان فن به این مهم بپردازند و آثار به جای مانده از دوران حکومت‌های متقارن با سلاجقه را به تفکیک مشخص و مورد بررسی و مطالعه قرار دهند.

۱- ابراهیم باستانی، «گرفتاری‌های قائم مقام صدراعظم ایران با نوادگان فتحعلیشاه یا مغولان داخلی»، مجله خواندنی‌ها، شماره ۹۴، سال ۱۳۳۴.

با مدارس امروزه نبوده و در آن به تدریس علوم قرآنی و مذهبی می‌پرداختند و این مسئله عقلانی خواهد بود که مدارس را هم جزء گروه مذهبی بناها تقسیم‌بندی نماییم. از طرفی نوع تزئینات، نقوش و کتیبه‌های به کار رفته در آنها هیچ گونه تفاوتی با نوع تزئینات مساجد نداشته و در هر دو از آیات، احادیث و ادعیه استفاده شده است. همین طور نقوش به کار رفته در هر دوی آنها هم، از نوع نقوش ساده شده گیاهی و هندسی بوده است.

مقابر و برج‌های مقبره‌ای هم از آن دسته بناهای مذهبی به شمار می‌رود که در این کتاب در گروه بناهای غیرمذهبی تقسیم‌بندی شده است. مقابر که جایگاه امامزاده‌ها و سادات و عرفا و صوفیان زمان می‌باشد از نوع کاربرد تزئینات گیاهی، هندسی و اکثراً کتیبه‌ای چه از نظر کاربرد تزئینی و گروه انسان‌هایی که در آنجا مدفون هستند در گروه بناهای مذهبی تقسیم‌بندی می‌شوند.

البته کاروانسراها، کاخ‌ها، پل‌ها و قلاع چه از نظر کاربرد و چه از نظر نوع تزئینات طبیعتاً در گروه بناهای غیرمذهبی قرار می‌گیرند. نکته قابل توجه دیگر در این تحقیق ارزشمند دوران مورد تفحص و بحث سلجوقیان است. همان‌طور که در آثار مکتوب تاریخی آمده در پی فروپاشی دودمان‌های ایرانی محلی شمال و شمال شرق ایران در طی چند دهه، دسته‌های بزرگی از قبایل چادرنشین غز، که از مسیر دریا تا بحر خزر و از شمال دریای آرال تا خراسان پراکنده بودند به این منطقه کوچ نمودند. حضور ترکان در صحنه سیاسی، اجتماعی ایران به سبب جنگ‌های پی در پی سامانیان با آنان و به اسیری گرفتن تعداد زیادی از آنان و همچنین به علت تغییر و جذب فرهنگ آنها در فرهنگ ایران، به تدریج قوی‌تر شد. سلجوق رئیس قبیله قنقین طایفه خود را در ماوراءالنهر سکنا داده بود. در زمان نواده‌های او قدرت سلجوقیان به تدریج افزون شد به نحوی که در نبردی که با شکست مسعود غزنوی در ناحیه دندانقان صورت گرفت، پایه حکومت خود را بنا نهادند. در سال ۴۲۹ طغرل اول با تأیید خلیفه بغداد پایه حکومت سلجوقیان را محکم نمود. وی با سرکوب مدعیان حکومت و خاندان‌های محلی - ایرانی، زمینه با ثباتی جهت جانشین خود، الب ارسلان، ایجاد نمود. الب ارسلان نیز با دستیاری وزیرش خواجه نظام الملک، ضمن اداره امور، قلمرو سلجوقیان را از کنار سیحون تا سواحل مدیترانه بسط داد.

ارتباطات سیاسی، فرهنگی، هنری و اجتماعی خاندان سلاجقه با حکومت‌های محلی و از جهتی متقارن با حکومت سلاجقه چون آل بویه، آل زیار، سامانیان، غزنویان و طاهریان و حتی حکومت موقتی اسماعیلیان را نمی‌توان از نظر دور داشت.